

دکتر محمد نمازی

استانداردهای ملی حسابداری؛

دشواریها،

محدودیتها

و پیشنهادهای

مقدمه

به دنبال انتشار ویژه نامه استانداردهای حسابداری (شماره ۷۴-۷۳، بهمن ماه ۱۳۶۹) و طرح مسئله استانداردهای ملی حسابداری و چارچوبهای نظری، مقاله زیر به دست ما رسیده است که در آن اولویت تدوین استانداردهای ملی حسابداری نسبت به تدوین چارچوبهای نظری از دیدگاه نویسنده آن بررسی شده است. همچنین در این مقاله، مشکلات تدوین استانداردها در ایران مورد توجه قرار گرفته و پیشنهادهایی برای رفع مشکلات کار ارائه شده است.

هدفهای تدوین استانداردهای ملی حسابداری:

قبل از هر اقدامی برای تدوین استانداردهای ملی حسابداری باید هدفهای آن را مشخص کرد و تشکیلات مناسبی به منظور انجام مطالعات و بررسیهای مربوط از سوی کارشناسان و صاحب نظران حرفه برپا ساخت. فراهم آوردن این زمینه سبب می شود که امکان شناخت و وسعت و دامنه کار تا حد زیادی به وجود آید و آمادگیهای لازم برای برطرف کردن بسیاری از مشکلاتی که به طور معمول در این کار وجود دارد، فراهم شود. از جمله انواع مختلف مؤسسات اقتصادی که استانداردهای یاد شده را به کار خواهند گرفت، شناخته خواهند شد.

۱. دکتر عزیز نسوی، جلیل شرکا، شاهرخ بهنام و منوچهر ملکیان: اصول حسابداری، کتابخانه فروردین، سال ۱۳۳۶، ص ۳۷.
۲. به عنوان نمونه مراجعه شود به: دکتر حسین عبده تبریزی: ملاحظاتی عملی در مورد تعیین استانداردهای حسابداری ملی، حسابدار، مرداد و شهریور ۱۳۶۹، صفحات ۵۶-۷۳.
- محمد شبلیه: حسابداری، استانداردهای ملی و توسعه اقتصادی، حسابدار، مرداد و شهریور ۱۳۶۹، صفحات ۷۴-۸۸.

با آنکه بنابر سوابق بیش از هفتاد سال از نخستین کوششهای در کشورهای مختلف جهان، از جمله انگلستان و آمریکا در جهت تدوین استانداردهای حسابداری می گذرد، تا چند سال پیش تلاشی برای تدوین استانداردهای ملی در ایران نشده بود. در حالی که سالها پیش صاحب نظران این حرفه نیاز به تدوین استانداردهای منطبق با شرایط ایران را احساس کرده و از ضرورت وضع آن سخن به میان آورده اند. دکتر عزیز نسوی و دیگران نزدیک به ۳۵ سال پیش در مقدمه کتاب خود آورده اند:

«... آنچه در حال حاضر در مملکت ما مورد قبول و اجراست اکثراً از طرز عمل حسابداران و حسابرسان کشورهای خارجی اقتباس شده است و یا اینکه نتیجه تجربه حسابداران و حسابرسان ایرانی در طی سالهای متمادی می باشد. تدوین مجموعه ای از قواعد و اصول حسابداری و حسابداری در ایران از وظایف اولیه انجمن قانونی محاسبین قسم خورده، انجمن حسابداران ایران و فارغ التحصیلان مؤسسه عالی حسابداری و سایر مؤسسات و مقامات مربوط، استادان و دانشجویان حسابداری و علاقمندان این فن در کشور ما می باشد.»

باری، در سالهای اخیر نظام اقتصادی ایران این واقعیت را پذیرفته و مسئولیت تدوین استانداردهای ملی حسابداری را به موجب قانون تشکیل سازمان حسابداری بر عهده سازمان حسابداری گذاشته است. این سازمان نیز از دو سال پیش دست به تشکیل کمیته تدوین استانداردهای حسابداری زده و انجام این مهم را بر عهده آن گذاشته است.

برپای دومین سمینار حسابداری ایران و اختصاص مجموعه بحثهای این سمینار به استانداردهای حسابداری و حسابداری، همچنین مطالبی که اخیراً در این زمینه به چاپ رسیده است و اختصاص یکی از شماره های مجله حسابدار به این موضوع نیز نشانه ای از توجه جدی حسابداران به تدوین استانداردهای ملی حسابداری در ایران است.^۲

هدف این مقاله نیز بررسی عوامل مهم و مربوط به مسئله تدوین استانداردهای حسابداری است.

به عنوان مثال اگر بنا بر هدفهای تعیین شده، قرار باشد که تنها سازمانهای دولتی استانداردهای تدوین شده را به کار بندند و رعایت کنند، حدود فعالیتها مربوط به تدوین استانداردها، محدودتر خواهد شد. حال آنکه اگر مقرر گردد که استانداردهای یاد شده کلیه مؤسسات؛ اعم از انتفاعی یا غیرانتفاعی، دولتی یا خصوصی و تعاونی را دربرگیرد، در این صورت دامنه فعالیتها مربوط به تدوین آنها وسیعتر می شود و چون باید پاسخگوی نیازهای هر دو بخش خصوصی و دولتی باشد، بنابراین در تدوین آنها ناگزیر باید عوامل بیشتری مورد توجه قرار گیرد، نیروی انسانی افزونتری به کار گرفته شود و تحقیقات وسیعتری به عمل آید. بعلاوه چنانکه تعبیه مکانیزمهایی برای «جلوگیری از سوء استفاده های احتمالی در کاربرد تکنیکهای حسابداری» یا «توصیه مناسبترین روشهای حسابداری» و یا «ارائه اطلاعات کافی به خریداران سهام در بازار بورس اوراق بهادار» نیز در کار باشد به بررسی عوامل بیشتری نیاز خواهد بود.

تا قبل از زمان برگزاری دومین سمینار حسابداری در شهریور ۱۳۶۹، هدفهای سازمان حسابرسی برای تدوین استانداردهای ملی حسابداری اعلام نشده بود؛ در این سمینار، خط مشی کلی این کار به وسیله مدیرعامل سازمان حسابرسی به اطلاع شرکت کنندگان رسید و در آن از سه پیشین مختلف در این باره یاد شد:

— پیش اول اینکه استانداردهای حسابداری و حسابرسی تدوین شده در جوامع پیشرفته صنعتی عیناً ترجمه شود و هیچ استاندارد جدیدی در ایران تدوین نشود.

— پیش دوم که مقابل پیشین اول است، بر این اساس متکی است که چون شرایط و اوضاع و احوال اقتصادی-اجتماعی و نظام حقوقی حاکم بر فعالیتها و واحدهای اقتصادی ایران با کشورهای پیشرفته صنعتی متفاوت است، بنابراین استانداردهای کشورهای اخیر مسائل ما را حل نمی کند و حتی در راه پیشرفت طبیعی حسابداری ما مانع ایجاد خواهد کرد؛ بنابراین استانداردهای خاص ایران باید به طور کامل با توجه به شرایط کشور ما تدوین شود و از استانداردهای بین المللی و غربی به هیچ وجه استفاده به عمل نیاید.

— پیش سوم تعدیل و ترکیب دو پیشین قبلی است. بدین معنی که از یک طرف تفاوتهای موجود در شرایط و اوضاع و احوال کشور ما را با شرایط کشورهای صنعتی پیشرفته تأیید می کند و بر لزوم تدوین استانداردهای متناسب با اوضاع و احوال کشور ما تأکید می کند و از سوی دیگر استفاده از استانداردهای تدوین شده در سایر کشورها را نه تنها نفی نمی کند، بلکه کوشش در هماهنگی با استانداردهای بین المللی را توصیه می کند.^۳

کمیته تدوین استانداردهای ملی حسابداری با توجه به همه جهات یاد شده در بالا، پیشین سوم را دنبال می کند. اعضای دیگر این کمیته نیز همه جابر پیشین سوم تأکید کرده اند که از این میان می توان از مصاحبه یکی از اعضای کمیته یاد شده با مجله حسابدار^۴ و اظهارات یکی دیگر از اعضا این کمیته در

میزگرد استانداردهای ملی حسابداری در مجله حسابدار^۵ یاد کرد. این اظهارات همچنین گویای آن است که کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، در پی ایجاد چارچوب نظری برای حسابداری در ایران است.

تردید نیست که حسابداری ما به میزان زیادی وارداتی است و به این دلیل نیاز به تدوین استانداردهای ملی حسابداری در ایران، به گونه ای که با ساختار اقتصادی-اجتماعی-سیاسی کشور در زمان حاضر مطابقت داشته باشد، بسیار جدی است. اما بنا به دلایل، تجربیات و شواهد مختلف در شرایط کنونی ایجاد چارچوب نظری حسابداری، نمی تواند مسئله وارداتی بودن حسابداری را تعدیل یا نیاز به تدوین استانداردهای ملی حسابداری را برآورده کند زیرا:

۱. فکر ایجاد چارچوب نظری منبعث از همان شرایطی است که استانداردهای بین المللی در آن تدوین شده است، بنابراین بدون تردید وارداتی است.

۲. بسط چارچوب نظری نیازمند بررسی عوامل پیچیده اقتصادی-اجتماعی-سیاسی زیادی است که ممکن است در زمان کنونی تأثیر بعضی از آنها بر تدوین استانداردها ناشناخته باشد، لذا ایجاد چارچوب نظری، ممکن است بدون دستیابی به نتایج کافی سالها به درازا انجامد. همچنین، چون در ایران هیچگونه تحقیق جامع و علمی در زمینه شناسایی عوامل مهم ساختار فعلی اقتصادی-اجتماعی-سیاسی مانند نقش مذهب، بازار، مدیریت، حسابداران، حقوق تجارت، قانون مالیاتها و... در برقراری استانداردها صورت نگرفته است، بنابراین دسترسی به یک چارچوب نظری اصولی و کاربردی در زمان حاضر امکانپذیر نخواهد بود.

۳. حتی اگر فرض دسترس به یک چارچوب نظری و کاربردی در ایران امکانپذیر باشد، کمیته تدوین استانداردها، باید همه جهات یاد شده را مدنظر قرار دهد، که ممکن است به علت پیچیدگی یا ناشناخته بودن عوامل یاد شده کمیته در عمل به این نتیجه برسد که باید در اولویت بخشیدن به ایجاد یک چارچوب نظری تجدید نظر کند.

اخیراً در انگلستان، انجمنهای حسابداری، استانداردهای عملیاتی حسابداری متعددی را منتشر کرده اند.^۶ در امریکا، APB^۷ طی ۱۴ سال (۱۹۷۳-۱۹۵۹) ۳۱ بیانیه در این زمینه انتشار داده است. FASB^۸ و AAA^۹ و همچنین بسیاری از متخصصان حسابداری، سالهاست که در امر ایجاد یک چارچوب نظری و بیانیه های مفهوم فعالانه مشارکت کرده اند. اما هیچیک از آنها تاکنون موفق به ارائه تئوری حسابداری و یا چارچوب نظری جامعی نشده اند.

«هورن گرن» در ۱۹۸۱، در پایان مقاله خود که اخیراً در ایران نیز به وسیله دکتر عبده تبریزی و مجید میراسکندری به فارسی ترجمه شده است، می نویسد:

«امیدوارم چارچوب (نظری حسابداری) تهیه شود و مورد عمل قرار ورق بزیند

د. میرگرد بررسی استانداردهای ملی، حسابدار، بهمن ۱۳۶۹، صفحات ۱۰-۲۱ و ۲۵ و ۴۱.

6. Statement of standard Accounting Practice.

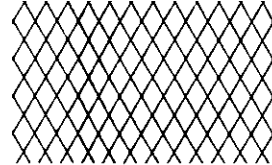
7. Accounting Principle Board.

8. Financial Accounting Standards Board.

9. American Accounting Association.

۳. رضا مستحجران؛ پیشینهای گوناگون در تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی، حسابدار، بهمن ۱۳۶۹، صفحات ۴۶-۴۹.

۴. محمد شنبه؛ شناختنامه و پیشینه حسابداران؛ مصاحبه با دکتر رضا شهابنگ، حسابدار، بهمن ۱۳۶۹، صفحات ۲۶-۳۳.



دشواریها، محدودیتها و پیشنهادهای

گیرد. شک ندارم که چارچوب مفید خواهد بود، اما زیاد هم نباید از آن انتظار داشت. انتظارات زیاد و بیچیدگی ذاتی تقریباً همواره شرایط متضادی را فراهم می آورد. چارچوب نظری تکنیکی فقط بخشی از خط مشی سازی است. چارچوب لازم است اما کافی نیست.^{۱۰}

کشور آمریکا نیز، به رغم فعالیت سازمانهای مختلف حسابداری خود در طی سالیان و نیز با وجود برخورداری از تلاشهای شمار زیادی از محققان در زمینه های حسابداری و امور مالی و صرف میلیونها دلار تا کنون نتوانسته است، به یک چارچوب نظری مورد قبول در حسابداری دست یابد. و «هورن گرن» به عنوان یکی از اعضای FASB اظهار امیدواری می کند که در آینده بتوانند با کاهش توقعات به ایجاد یک چارچوب نظری موفق شوند.

ما نیز در این نوشته در پی نفی ضرورت تدوین یک چارچوب نظری برای حسابداری در ایران نیستیم. بلکه اولویت بخشیدن به آن را در راستای تدوین استانداردهای ملی بررسی می کنیم و اعتقاد داریم که در صورتی که این مهم در اولویت نخست قرار گیرد باید جوانب این کار به دقت سنجیده شود تا مبادا فرصتهای ارزشمند امروز به امید دست یافتن به چارچوب نظری از دست برود. افزون بر اینکه این احتمال نیز وجود دارد که طی ۲۰ سال آینده نیز به پیشرفت درخور اعتنائی در این زمینه نرسیم.

۴. تجربه کشورهای دیگر نیز می تواند در این تصمیم به ما کمک کند. مثلاً FASB، به عنوان مهمترین سازمان تدوین کننده استانداردها، سازمانی خصوصی است که از اختیارات قانونی جهت تدوین استانداردهای حسابداری برخوردار نیست، و غالب اوقات از بیم سازمان بورس اوراق بهادار SEC^{۱۱} و همچنین به خاطر حفظ موجودیت خود ناگزیر به اقداماتی در زمینه تدوین چارچوبهای نظری شده است. «دوپاچ» و «ساندر»^{۱۲} مواردی، از جمله تهیه استانداردهای مربوط به نفت و گاز، را ذکر می کنند و خاطرنشان می سازند که FASB صرفاً به علت هراس از مداخله SEC و سازمانهای دولتی در این مورد دست به کار شده است. آنها همچنین معتقدند که FASB به علت نداشتن قدرت قانونی در زمینه اجرای استانداردهای حسابداری، مجبور به نشر بیانیه های متعددی در زمینه چارچوب مفاهیم نظری حسابداری شده است و بر این مطلب نیز تأکید می کند که سازمان بورس برخلاف FASB اقدام به تدوین چارچوب نظری و مفاهیم حسابداری نمی کند زیرا سازمانی دولتی است و دارای اختیارات قانونی در تدوین استانداردهاست و لذا برای حفظ موجودیت خود نیازی به تدوین چارچوب نظری ندارد. «هورن گرن» به عنوان یکی از اعضای هیئت تدوین اصول حسابداری در موارد متعددی اشاره می کند که FASB سازمانی سیاسی است و هدف اصلی آن از تدوین چارچوب نظری الزاماً افزایش شایستگی فنی سازمان در تدوین استانداردهای مطلوب حسابداری نیست، بلکه حفظ موجودیت و کسب قدرت است. وی می گوید^{۱۳}:

۱۰. چارلز. ت. هورن گرن: مزایا و محدودیتهای چارچوب نظری، ترجمه دکتر حسین عبده تبریزی و مجید میراسکندری حسابدان، بهمن ۱۳۶۹، صفحات ۳۶، ۴۱، ۴۴ و ۴۵.

۱۱. Securities and Exchange Commission

۱۲. Dopuch, N. and Sunder, S., «FASB's Statement on Objectives and Elements of Financial Accounting»: A Review, Accounting Review, jan, 1980, PP. 1-21

۱۳. به مأخذ شماره ۱۰، صفحات ۳۷، ۳۹ مراجعه شود.

«عمر مفید ارگانهای متعدد تعیین استانداردها، در بخش خصوصی متفاوت است. کمیته رویه های حسابداری حدود ۲۲ سال و هیئت اصول حسابداری ۱۳ سال به کار خود ادامه داد. امیدوارم که FASB عمر مفید طولانیتری، حداقل ۴۰ سال داشته باشد. عمر مفید FASB به شایستگی فنی آن متکی نخواهد بود.

اگر بقای FASB امری مطلوب تلقی می شود، چارچوب نظری نیز چیزی مطلوب است. یعنی چارچوب احتمالاً به هیئت کمک می کند تا قدرت بیابد. هرچه باشد هیئت قدرت قاهره ندارد. برعکس، هیئت می باید واقعاً با ترغیب قدرت بگیرد.

به توضیح دیگری در مورد اینکه چرا چارچوب فنی، قسمت قابل مشاهده کوه یخ است توجه کنید. وقتی انتخاب اجتماعی ظرف چندین دوره صورت بگیرد، دستور کار اهمیت پیدا می کند. قدرت کنترل دستور کار ممکن است برای موقعیت و عمر مفید FASB به مراتب مهمتر از ماهیت چارچوب فنی باشد. گاهی هیئت (اصول حسابداری) از اشخاص ذینفع می خواهد که حرف خود را بخورند و قضاوتهای خود را به عهده FASB بگذارند. چرا؟ چون چنین رفتاری در بلند مدت منافع خصوصی اشخاص ذینفع را بیشتر تأمین خواهد کرد. همین طور گاهی اعضای هیئت می باید حرف خود را بخورند و قضاوتهایشان را کلاً به هیئت بگذارند. چرا؟ دوباره برای تأمین بیشتر منافع خصوصی خود در بلند مدت، بدین معنا که عمر مفید هیئت طولانی تر شود.»

«واتس» و «زیرمن»^{۱۴} مثالهای متعددی را در این زمینه می آورند و بیان می کنند که FASB دقیقاً به دنبال سیاستمداران آمریکایی و بر اساس خواست آنها مسائل مختلف حسابداری را مطرح و تصویب کرده است.

«فاستر»^{۱۵} موارد مختلفی، از جمله تهیه صورتهای مالی بر اساس سطح عمومی قیمتها و معاینات مالیاتی مربوط به سرمایه گذارها را ارائه می دهد که در این موارد نیز FASB ابتدا یک تصمیم و سپس بر اثر فشارهای افراد ذینفع تصمیم دیگری در مورد تجویز تکنیکهای حسابداری گرفته است. بنابراین FASB صرفاً به خاطر هدفهای سیاسی، کسب قدرت، حفظ موجودیت خود و منافع گروههای خاصی، اقدام به تدوین چارچوب نظری می کند.

ولی هدفها، تشکیلات و وظایف قانونی سازمان حسابرسی مانند FASB نیست، زیرا سازمان حسابرسی برخلاف FASB سازمانی دولتی است، قدرت قانونی دارد و می تواند حافظ منافع واقعی گروههای مختلف جامعه باشد. به علاوه محدودیتهای یا فشارهایی که در بالا گفته شد که در مورد FASB مصداق دارد، در مورد سازمان حسابرسی صادق نیست. بنابراین ضرورت ندارد که دست به تدوین چارچوب نظری بزند، مگر آنکه در این مورد دلایل روشن و کاملاً قانع کننده ای داشته باشد.

۵. حتی اگر تدوین چارچوب نظری در ایران ضرورت نیز داشته باشد، شرایط کنونی کشور ما، برای انجام این کار مناسب نیست. زیرا حسابداری ما،

14. Watts, R.L. and Zimmerman, J.L., «Towards a Positive Theory of Determination of Accounting Standards», Accounting Review, jan, 1978, PP. 112-34.

15. Foster, G., Financial Statement Analysis, Prentice-Hall, Englewood Cliffs, Newjersey, 1978, PP. 543-44

در حال حاضر درگیر مسائل و مشکلات اولیه اساسی است.

بر طبق تحقیق تجربی که اخیراً در ایران منتشر شده است^{۱۶}، در زمان حاضر در ایران، عده‌ای از حسابداران از رویه‌های جاری حسابداری مؤسسه متبوع، برخی از آنها از استانداردهای بین‌المللی و دسته‌ای دیگر از نشریات مرکز تحقیقات سازمان حسابرسی و بالاخره گروهی نیز از الزامات قانونی استفاده می‌کنند. ولی ضوابط کار حسابداری برای رعایت اصول و موازین متداول حسابداری در درجه اول تحت تاثیر رویه‌های جاری مؤسسات متبوع است (رویه جاری مؤسسات متبوع ۳۵٪، استانداردهای بین‌المللی ۱۰٪، نشریات سازمان حسابرسی ۲۴٪ و الزامات قانونی ۳۱٪).

در زمان حاضر بنا به دلایل متعددی مانند تنظیم نکردن دفترها بر اساس مقررات جاری و غیر قابل رسیدگی بودن دفترهای مؤسسات اقتصادی، مالیات آنها به روش علی‌الراس تشخیص داده می‌شود. در تعداد درخور توجهی از مؤسسات یاد شده صورتهای مالی غالباً به نحوی که بتواند مورد استفاده گروههای ذینفع قرار گیرد تهیه نمی‌شود. بعلاوه گزارشهای مالی تهیه شده، با اینکه برای آنها هزینه‌های سنگین و وقت زیاد صرف می‌شود، متأسفانه مورد استفاده مدیران قرار نمی‌گیرند و غالباً مدیران در تصمیمگیری به اطلاعات غیرمالی تکیه می‌کنند. ضوابط و موازین حسابداری حتی در شرکتهای یکسان و مشابه به صورت هماهنگ و یکنواخت به کار گرفته نمی‌شود. شرکتهای بیشماری در زمان حاضر، مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت هستند و با اینکه عملاً ورشکست شده‌اند هیچگونه اقدام جدی برای توقف یا ندادن فعالیت آنها صورت نگرفته است. در موارد درخور توجهی مجامع شرکتهای دولتی که باید به طور مرتب برای تصویب حسابهای شرکت، تشکیل شوند، سالهاست که بر پا نشده و به تعویق افتاده است. بسیاری از مؤسسات در عین دارا بودن مبالغ هنگفتی سرمایه و میلیونها ریال اموال گوناگون، بموقع حسابرسی نمی‌شوند. همچنین درباره مسئله‌ای واحد، اظهار نظرهای متفاوتی از طرف حساببران به عمل آمده است ولی هیچگونه معیاری جهت تعیین صحت و سقم آن نظرات در دست نیست^{۱۷}.

با در نظر گرفتن نکات یاد شده در بالا بجاست که سازمان مسئول تدوین استانداردها با توسل به قدرت قانونی خود، ابتدا نسبت به تدوین استانداردهای عملی و کاربردی حسابداری اقدام کند و در این راه بکوشد که حمایت و تأیید عموم را نسبت به این استانداردها جلب کند. آنگاه در زمان مناسب دست به تهیه چارچوب نظری حسابداری بزند، البته به شرطی که ضرورت تهیه چارچوب نظری قبلاً تشخیص داده شده باشد.

استفاده کنندگان از گزارشهای مالی در ایران و هدفهای آنها:

در حسابداری، پژوهشهای بسیاری به وسیله اشخاص مختلفی از جمله

۱۶. محمد شمله: حرفه در مورد استانداردها چه می‌گوید؟

حسابدار، بهمن ۱۳۶۹، صفحات ۵۶-۵۷.

۱۷. نریمان ایلخانی: جایگاه استانداردهای حسابداری، حسابدار، بهمن ۱۳۶۹، صفحات

۴۴-۴۲.

«پیتون» و «لیتلتون»^{۱۸}، «اسپراوس» و «مونیترا»^{۱۹}، «استرلینگ»^{۲۰}، «اینجیری»^{۲۱}، «هورن-گرن»^{۲۲}، «بدفورد»^{۲۳}، «بی‌ور» و «دمسکی»^{۲۴} و انجمنها و مجامع حسابداری گوناگون از جمله AAA, FASB, APB، به منظور شناسایی گروههای مختلف استفاده کنندگان از گزارشهای مالی صورت گرفته است. در نتیجه «مدیران مؤسسات اقتصادی» به عنوان گروه اصلی استفاده کنندگان از گزارشهای مالی شناخته شده‌اند. گروههای مهم و مسلط دیگری، که در متون حسابداری شناسایی شده‌اند، «حساببران» و «سرمایه‌گذاران» هستند. طبقات دیگری نیز مانند کارمندان شرکتهای بستاکاران و دولت نیز شناخته شده‌اند که البته اهمیت گروههای اخیر در میان سایر استفاده کنندگان در متون حسابداری کمتر مورد بحث قرار گرفته است، زیرا بیشتر این پژوهشها در کشورهای پیشرفته صنعتی بویژه در آمریکا، که در وهله اول مدیران و سرمایه‌گذاران، نقش حاکم بر امور مالی و حسابداری دارند، صورت گرفته است.

لازم است در ایران پژوهشهای مستقل و کاملی در این زمینه انجام شود تا ۱- گروههای مختلف استفاده کننده و ۲- نحوه و میزان استفاده آنها از گزارشهای مالی دقیقاً مشخص شود. فقط با انجام این گونه تحقیقات است که می‌توان به طور تجربی (و نه ذهنی) مشخص کرد که آیا در ایران، دولت مهمترین استفاده کننده از گزارشهای مالی است یا مدیران و یا گروههای دیگر؟ از اینجا، اولویت بندی استفاده کنندگان از گزارشهای مالی نیز امکانپذیر می‌شود. اگر استفاده کنندگان از صورتهای مالی به طور دقیق شناخته نشوند و هدف استفاده و قدرت درک آنها از اطلاعات گزارشهای مالی روشن نباشد، هر چند که استانداردهای حسابداری هم به طور مطلوبی تدوین شده باشد، در عمل تأثیر بسیار ناچیزی بر حسابداری کشور خواهد داشت؛ در مقابل، چنانچه استفاده کنندگان از اطلاعات حسابداری، و هدفهای آنها مشخص شوند، امکان تدوین استانداردهای مطلوبتری برای رفع نیازهای آنان به وجود می‌آید.

ورق بزنید

18. Paton, W.A. and A.C. Littleton, *An Introduction to Corporate Accounting Standards*, Mono graph No.3, AAA, 1940.

19. Sprouse, R.T. and Moonitz, *A Tentative Set of Broad Accounting Principles for Business Enterprises*, Accounting Research Study No.3, AICPA, 1962.

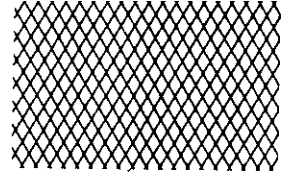
20. Sterling, R.R., *A Statement of Basic Accounting Theory: A Review Article*, Journal of Accounting Research, spring 1967, PP. 95-112

21. Ijiri, y., *Critique of The APB Fundamentals Statement*, Journal of Accountancy, Nov. 1971, PP. 43-50

22. Horngren, C.T., *The Marketing of Accounting Standards*, Journal of Accountancy, Oct. 1973, pp. 61-66.

23. Bedford, N.M., *Discussion of Opportunities and Implications of The Report on Objective of Financial Statement Studies on Financial Accounting Objectives*, 1974, Supplement to the Journal of Accounting Research, 1974.

24. Beaver, W.H. and J.S. Demski, *The Nature of Financial Accounting Objectives: A Survey and Synthesis*, Supplement to the Journal of Accounting Research, 1974.



دشوارها، محدودیتها و پیشنهادها

به منظور تعیین هدفهای گروههای مختلف استفاده کننده از گزارشهای مالی در ایران باید یکی از ۳ روش زیر را انتخاب کرده^{۲۵}:

روش اول، تعیین «هدفهای عملیاتی» همه استفاده کنندگان از گزارشهای مالی.

روش دوم، مشخص کردن «هدفهای مشترک» کلیه گروههای استفاده کننده از گزارشهای مالی.

روش سوم، شناسایی «هدفهای مسلط» استفاده کنندگان اصلی و مهم از گزارشهای مالی.

در مورد روش اول، لازم است کلیه گروههای استفاده کننده از گزارشهای مالی در جامعه شناسایی شوند. پس از آن باید هدفهای به دست آمدنی آنها، که اصطلاحاً «هدفهای عملیاتی» نامیده می شود مشخص شود. اگرچه این روش می تواند اطلاعات وسیعی را در مورد استفاده کنندگان مختلف و هدفهای آنها فراهم آورد، ولی شناسایی کلیه استفاده کنندگان از گزارشهای مالی و شناخت هدفهای اطلاعاتی آنها تقریباً ناممکن است. بنابراین، استفاده از این روش را در عمل ناممکن می نماید.

در روش دوم فقط هدفهای یکسان و مشترک گروههای مختلف استفاده کننده از گزارشهای مالی تعیین می شود. در این روش، به بیان ریاضی به جای آنکه «مجموعه» ای از هدفهای گروههای مختلف به دست آید، فقط «منطقه مشترکی» مشخص می شود که محل برخورد هدفهای مختلف است. این روش در صورتی که بتواند کلیه گروههای مختلف استفاده کننده از گزارشهای مالی را شناسایی کند، از روش اول آسانتر به نظر می رسد. ولی ممکن است در عمل دست کم دو مشکل بزرگ پدید آید:

۱- تعیین کلیه گروههای استفاده کننده در عمل بسیار دشوار است.

۲- ممکن است هدفهای مشترک استفاده کنندگان مختلف از گزارشها در حد درخور توجهی نباشد و از نظر ریاضی «منطقه مشترکی» به دست نیاید.

برخی از تحقیقات حسابداری نشان می دهد که اصولاً احتمال پیدایش هدفهای مشترک میان استفاده کنندگان مختلف گزارشهای مالی در حد پایینی قرار دارد. برای نمونه، هنگامی که رئیس سازمان FASB در آمریکا به طور تجربی تحقیق کرد که چند درصد از حسابداران با نتیجه گزارش «تروبلاد» حاکی از اینکه «هدف اصلی از گزارشهای مالی، ایجاد تسهیلات لازم در امر تصمیمگیریهای اقتصادی است» موافقت، با شگفتی دریافت که فقط ۳۷٪ از حسابداران با این هدف موافقت، در مقابل ۲۲٪ کاملاً مخالف بودند، ۱۰٪ می گفتند که این امر نیاز به مطالعه بیشتری دارد و بقیه نیز ظاهراً پاسخی برای این پرسش نداشتند^{۲۶}. بنابراین، ممکن است با تکیه بر مفهوم «هدفهای مشترک» هم نتوان به طور عملی به فهرست جامعی از هدفهای گزارشگری مالی در ایران دسترسی پیدا کرد.

تنها شاید روش سوم یعنی تکیه بر مفهوم «هدفهای مسلط» در ایران بتواند

فهرست قابل قبولی از هدفهای گزارشهای مالی را در ایران تهیه کند. به این منظور ابتدا باید گروههای مهمی که نقش عمده ای در استفاده از گزارشهای مالی و استانداردهای حسابداری دارند تعیین شود و هدفهای آنها به صورت جداگانه و با مشترک مشخص شود. ظاهراً گزارش «تروبلاد» و «بیانیه مفهوم حسابداری مالی شماره ۲۱»^{۲۷}، که از انتشارات بسیار مهم در مورد تعیین اهداف گزارشهای مالی است، با توجه به همین مفهوم تهیه شده است. افزون بر این، بسیاری از پژوهشگران حسابداری، از جمله «بی وری» و «دمسکی»^{۲۸}، «سایرت» و «ایجیری»^{۲۹} با استفاده از همین مفهوم، مدل گزارشگری خود را در ارتباط با گزارشهای مالی تنظیم کرده اند.

اما مفهوم گروههای مسلطی که در ایران به کار برده می شود، به مراتب با مفهوم گروههای مسلط در کشورهای غربی از جمله آمریکا متفاوت است. گروههای مسلط جوامع غربی، گروههای خصوصی هستند که بودجه سازمانهای تدوین کننده استانداردها را فراهم می سازند و به این طریق از تدوین استانداردهایی که مخالف منافع مادی آنها باشد جلوگیری می کنند. آنان اعضای سازمانهای تدوین کننده استانداردها را برای منافع شخصی خویش برمیگزینند و خلاصه، در تدوین استانداردهای حسابداری قدرت و نفوذ کافی دارند. اما در ایران، مفهوم «هدفهای مسلط» باید دربرگیرنده گروههایی باشد که براساسی از گزارشهای مالی بیش از «سایر گروهها» استفاده می کنند، و تدوین استانداردها بر حیات مالی آنها تأثیر بسزایی دارد. این گروهها ممکن است فاقد قدرت تأثیرگذاری مستقیم در مرحله تدوین استانداردها باشند، لذا تأثیرگذاری آنها در امر تدوین استانداردها تنها به دلیل میزان استفاده عملی آنها از گزارشهای مالی است نه قدرت اقتصادی یا سیاسی آنها.

شناسایی عوامل تعیین کننده در تدوین استانداردهای ملی حسابداری

یکی از اقدامات ضروری در امر تدوین استانداردهای ملی شناسایی عوامل تعیین کننده در تدوین استانداردهای حسابداری است. این عوامل می تواند بسیار متنوع باشد؛ در این میان باید تنها آن دسته از عوامل را که در راستای هدفهای تدوین استانداردها مؤثرند، مورد توجه قرار داد. برای نمونه، شناخت ساختار دقیق شرایط کنونی اقتصادی- اجتماعی- سیاسی ایران، و در نظر داشتن مقررات قانون اساسی جمهوری اسلامی، قانون تجارت، قانون مالیاتها، قانون محاسبات عمومی، برنامه اول اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از جمله عوامل

27. Financial Accounting Standards Board, Objectives of Financial Reporting by Business Enterprise, Statement of Financial Accounting Concept No. 1, 1978.

۲۸. به مأخذ شماره ۲۴ مراجعه شود.

29. Cyert, R.M. and Y. Ijiri, Problems of Implementing the Trueblood Objectives Report, Studies on Financial Accounting Objectives, Supplement to the Journal of Accounting Research, 1974.

۲۵. برای اطلاع بیشتر در این مورد به مقاله زیر مراجعه شود:

دکتر محمد تمیزی: عوامل مؤثر در تدوین استانداردهای حسابداری، دانشگاه شیراز.

۲۶. به مأخذ شماره ۱۲، صفحه ۱۲ مراجعه شود.

مهمی است که باید هنگام تدوین استانداردهای ملی مورد توجه قرار گیرد. پیچیدگی کار در این است که چگونه می‌توان در بین عوامل گوناگون، عوامل مهمی را که تأثیر تعیین کننده‌ای در تدوین استانداردهای مورد نظر دارند شناخت. انجام این کار بستگی به انتخاب روش کار دارد. بنابراین ابتدا باید هدف از تدوین استانداردها را کاملاً مشخص کرد، سپس به تحقیقات تجربی و علمی، جلب مشارکت فشرده‌های مهم و ذینفع جامعه (به خصوص مدیران، شرکتها، مجامع حسابداری، استادان، و دانشجویان حسابداری، حسابرسان، مسئولان مالیاتی، حقوقدانان، اقتصاددانان، مسئولان مهم مالی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و خلاصه کلیه افراد علاقه‌مند و صاحب نظر حسابداری) و برپایی سمینارها و میزگردها پرداخت تا در نتیجه این کوششها عوامل مهمی که تأثیر بسزا در تدوین استانداردهای حسابداری دارند به صورت «مقدمانی» تعیین شوند. آنگاه با بررسی عوامل شناسایی شده و سپس روابط آنها با یکدیگر، بررسی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند.

ذکر چند نمونه مسئله را برای ما روشنتر خواهد کرد. در «حسابداری مدیریت» غالباً گفته می‌شود که تعریف هزینه‌ها و انواع آن بستگی به «هدفهای گزارشگری» تصمیمگیرنده، که معمولاً مدیر مؤسسه اقتصادی است، دارد. درباره‌ای از تجزیه و تحلیل‌های مدیریت، مانند «تعیین نقطه سر به سر»، «تعیین ظرفیت بلا استفاده» و «قبول یا رد سفارشهای خارج از سازمان»، هزینه‌ها برحسب رفتار آنها یعنی «ثابت یا متغیر بودن» تعیین و طبقه‌بندی می‌شوند و در این مورد احیاناً روش «هزینه‌یابی متغیر» به کار می‌رود. و در بعضی دیگر، مانند تعیین قیمت تمام شده محصولات، هزینه‌ها نه برحسب رفتار بلکه براساس ماهیتشان تقسیم بندی می‌شوند و به هزینه‌های تولیدی و غیرتولیدی (اعم از ثابت یا متغیر) تقسیم می‌گردند و از روش «هزینه‌یابی جذبی» استفاده می‌شود.

به طور کلی، بعضی از هزینه‌ها، درباره‌ای از تصمیمات مدیریت «مربوط» به قلمداد می‌شوند، ولی همان هزینه‌ها در موارد دیگر «نامربوط» تلقی می‌شوند. بنابراین در حقیقت، «هدف تصمیمگیرنده» است که «مربوط» یا «نامربوط» بودن هزینه‌ها را تعیین می‌کند.

همچنین در بررسیهایی که به منظور تعیین بهترین ترکیب تولید محصولات و دسترسی به بالاترین سودآوری یا کمترین میزان هزینه‌ها انجام می‌شود معمولاً با استفاده از برنامه‌ریزی خطی، ابتدا هدف تصمیمگیرنده به صورت تابع یک هدفی و یا حتی چند هدفی بیان می‌شود، و سپس عواملی که تأثیر مهمی در سودآوری محصولات دارند از قبیل: ساعات کار کارگران تولیدی، ساعات استفاده از ماشین‌آلات، ظرفیت و حجم انبازهای شرکت و میزان تولید محصولات در نظر گرفته می‌شوند. این محدودیتها در حقیقت عوامل مؤثر و بازدارنده‌ای هستند که عملاً باید در مدل‌های تصمیمگیری منظور شوند و نشان دادن آنها در مدل تصمیم بدین معنی نیست که تصمیمگیرنده فقط دارای این محدودیتها ارائه شده است و برای وی هیچگونه محدودیت دیگری وجود ندارد. بلکه منظور کردن آنها تنها تلاشی است در جهت نشان دادن «زیر مجموعه‌ای از کلیه محدودیتها»، ولذا «فقط و فقط» شامل اقلامی می‌گردد که در تابع هدف تصمیمگیرنده تأثیری مهم برجای می‌گذارند. این محدودیتها ممکن است در تصمیماتی دیگر تعبیر یابند، بعضی از آنها حذف شوند و یا تعدادی هم به محدودیتهای گذشته اضافه گردند.

تدوین استانداردهای حسابداری نیز در عمل به میزان درخور توجهی مشابه تصمیمگیرهای بالا است و ناگزیر باید در ابتدا، فهرست استانداردهایی که در نظر است تدوین شود، مشخص گردد و این خود گامی بزرگ است زیرا در این صورت لازم است تصمیم گرفته شود چه استانداردهایی در جامعه ما باید در اولویت قرار گیرند، سپس عوامل مهمی که در هر استاندارد مورد نظر مؤثر هستند مشخص شود.

در این راستا باید توجه داشت که اگر چه قوانین بخصوصی از قبیل «قانون تجارت» و «قانون مالیاتها» باید به طور جدی در نظر گرفته شوند، ولی این قوانین برخورد شدیدی با تدوین هر استاندارد حسابداری ندارند. بعلاوه طبق بررسیهای موجود، قوانین تجارت و حتی قوانین مالیاتی در برخورد با استانداردهای حسابداری فاقد مقررات تعیین کننده‌ای هستند که بتواند با مشکلات آن برخورد کند و مسئله تدوین استانداردها را تحت تأثیر قرار دهد.^{۳۰} این قوانین، حتی در مواقعی که با استانداردهای حسابداری برخورد داشته باشند، باید شبیه محدودیتهایی در نظر گرفته شوند که در مسائل «برنامه ریزی خطی» و یا در سایر تصمیمات مدیریتی وجود دارند (در حقیقت، شبیه آب و هوای سرد و یا گرمی هستند که در فصول مختلف سال ظاهر می‌شوند و به رغم پیدایش آنها فعالیتهای انسانها به طریقی تا سرحد امکان باید ادامه پیدا کند.) بنابراین در مواردی که تدوین استانداردهای حسابداری تعارضی با قوانین حقوق تجارت و یا قانون مالیاتها و یا سایر قوانین داشته باشد، باید آن قوانین را مورد توجه قرار داد و در صورت امکان از مسئولان مربوط خواست که در رفع این تعارضها بکوشند. ولی چنانچه این تعارضها اجتناب ناپذیر باشند، وجود این قوانین به صورت فعلی نباید به هیچوجه کار تدوین استانداردهای حسابداری را تحت الشعاع قرار دهد و موجب تعویق در این کار بشود. به عبارت دیگر، هدف تدوین استانداردها نباید فدای محدودیتها و مشکلات قانونی و اجرایی گردد.

مراحل تدوین استانداردهای حسابداری:

به طور کلی، تدوین استانداردهای حسابداری باید سه مرحله را به ترتیب طی کنند:

- ۱ - مرحله تهیه و تدوین.
 - ۲ - مرحله اجرا و عمل.
 - ۳ - مرحله تجدیدنظر و اصلاح.
- به منظور دستیابی به هدفهای یاد شده و پیشگیری از بروز مشکلات آینده، باید در مرحله تهیه و تدوین استانداردها، عوامل مهم دو مرحله دیگر در نظر گرفته شود. یعنی هنگام تدوین استانداردها باید در نظر داشت که اگر استانداردهای خاصی وضع شود، چه حمایت قانونی و ضمانت اجرایی در عمل، در راه اجرای آنها وجود دارد؟ استفاده کنندگان اصلی از این استانداردها چه کسانی هستند و اطلاعات آنها در مورد اصول و موازین حسابداری چه میزان است؟ چه کسانی در عمل باید این استانداردها را رعایت کنند؟ قدرت درک و اطلاعات افراد یاد شده از استانداردهای حسابداری چیست؟ تأثیر وضع این استانداردها از نقطه نظر تهیه کنندگان صورتهای مالی ورق بزیند

۳۰. برای آگاهی از جزئیات بیشتر به منبع شماره ۱۷ مراجعه شود.

برفعلیت آنان به چه صورت است؟ ندوم کاربرد آنها به چه شرایطی بستگی دارد؟

دستیابی به پاسخ این پرسشها از راه انجام تحقیقات جامع در هر یک از زمینه‌های مربوط ممکن است. ولی نظر به اینکه این گونه تحقیقات نیاز به زمانی طولانی دارد، باید ضمن اقدام به این گونه پژوهشها، اولویت را اکنون به تدوین استانداردها داد، چرا که استانداردهای حسابداری هر چند بسیار دقیق نیز تدوین شود، با گذشت زمان دستخوش دگرگونیهایی می شود که تغییراتی را در این استانداردها ایجاد می کند و اغلب با شرایط اولیه ای که هنگام تدوین استانداردها دارا بوده است تفاوتی اساسی پیدا می کند. بنابراین، استانداردهای حسابداری اگر چه باید از ابتدا دقیق، کامل و سنجیده تدوین شود، اما الزاماً باید از انعطاف پذیری کافی در برخورد با تغییر شرایط نیز برخوردار باشد.

به منظور سازماندهی انجام سه مرحله یاد شده استانداردهای حسابداری، لازم است هر سه مرحله به وسیله مکانیزمی مشخص مدل بندی گردند. این اقدام می تواند با استفاده از چارچوب «ثوری تصمیم»، که یکی از روشهای مهم ایجاد ساختار تئوریهی حسابداری است، انجام پذیرد. در این صورت، تدوین استانداردهای حسابداری شبیه تصمیم گیریهای بلندمدت در حالت عدم اطمینان خواهد بود، و عوامل مربوط به مرحله اجرا و عمل (مرحله دوم) و تجدیدنظر و اصلاح (مرحله سوم) در حقیقت به عنوان زیرمجموعه ای از عوامل کنترل ناپذیری که در انتخاب تصمیم مطلوب مؤثرند، شمرده می شوند. بنابراین، بهترین راه رویارویی با این عوامل، گردآوری اطلاعات اضافی است تا از میزان ریسک و عدم اطمینان آنها بکاهد. با توجه به هزینه های گردآوری اطلاعات، هر قدر که بتوان به میزان مطلوب اطلاعات نزدیکتر شد، احتمال

گزینش و تدوین استانداردهای مطلوب نیز افزونتر خواهد شد. هر چند ممکن است استفاده از ثوری تصمیم در عمل با مسائل متعددی روبه رو شود و انتخاب عوامل مهم شناسایی شونده را در مراحل دوم و سوم استانداردها، با دشواریهای زیادی روبه رو سازد، ولی این ثوری در بسیاری از مسائل حسابداری مدیریت، به منظور تصمیم گیریهای گوناگون به کار گرفته می شود و حتی گاه همراه با سایر تکنیکهای پژوهش عملیاتی در ریاضیات نیز به کار برده می شود تا تصمیم گیریهای مطلوب را ممکن سازد. همچنین این تکنیک در مبحث ایجاد تئوریهی حسابداری به عنوان یکی از روشهای مهم مورد بحث قرار می گیرد. بنابراین، ثوری تصمیم با وجود پیچیدگیهای خود می تواند به عنوان چارچوب و مکانیزمی عملی در تدوین استانداردهای ملی به کار گرفته شود.

چکیده و نتیجه گیری

همان گونه که نگارنده در دومین سمینار حسابداری ایران تشریح کرد، در

عمل می توان دو نوع مکانیزم برای تدوین استانداردهای حسابداری به کار گرفت:

۱- مکانیزم بازار، ۲- سازمانهای تدوین کننده استانداردها.

اگر چه نقش سازمانهای حرفه ای تدوین کننده استانداردها در دنیای امروز به شکلی آشکار و سبقت پیدا کرده است، اما اهمیت بازار را در انتشار داوطلبانه گزارشهای مالی و ارائه استانداردهای گزارشگری نباید نادیده گرفت.

در مورد تدوین استانداردها لازم است علاوه بر دولت، مجلس و مدیران مؤسسات اقتصادی؛ استادان و دانشجویان حسابداری، حسابداران و حسابرسان، حقوقدانها، اقتصاددانان و خلاصه تمامی اشخاص ذیربط با حرفه حسابداری و حسابرسی، در امر تدوین استانداردها مشارکت فعال و جدی داشته باشند، زیرا تدوین استانداردها امری بسیار دشوار، پیچیده و مهم است و به طور مستقیم و غیرمستقیم بر زندگی همگان تأثیر دارد. از سوی دیگر، نقش اساسی و حیاتی برعهده تحقیقات است، زیرا باید شرایط کنونی و آینده ساختار اقتصادی- اجتماعی- سیاسی کشور را روشن کرد و شرایطی را که حسابداری در آن بتواند به عنوان مجموعه یا سیستمی اطلاعاتی فعالیت کند مشخص کرد. اگر در مورد این ساختار و جزئیات آن، پژوهشها و مطالعات کافی صورت نگیرد و استانداردهای حسابداری بدون مطالعه این عوامل تدوین شود، در بهترین شرایط فقط امکان دارد بتواند گوشه ای از معضلات مالی و حسابداری جامعه را حل کند. در این صورت، مشکلات عمده حسابداری در ایران همچنان ناگشوده باقی خواهند ماند.

در زمان حاضر، با توجه به مشکلات فراوان شرکتهای و سازمانهای دولتی ایران در اصول و مبانی حسابداری شایسته است ابتدا استانداردهای مهمی که می تواند مشکلات بسیاری از مؤسسات اقتصادی را حل کند، طی جدول زمانبندی مشخصی تعیین شود و کار ایجاد چارچوب نظری به آینده- پس از آن که مشکلات اولیه حسابداری مرتفع شد و استانداردهای مهم حسابرسی و حسابداری، منطبق با شرایط اقتصادی- اجتماعی- سیاسی ایران تدوین گردید- موقوف شود. هنگام تدوین استانداردها، «نظریه تصمیم»، به عنوان مدل مطلوب برای طراحی الگوهای اطلاعات و تدوین استانداردها در شرایط عدم اطمینان می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

در پایان امیدوار است اولاً نداشتن چارچوب نظری دستاویزی برای تعویق کاربر روی استانداردهای حسابداری قرار نگیرد و ثانیاً ابهت دیربای چارچوب نظری کم رنگ تر شود و حامیان آن دریابند که چنین چارچوب نظری حتی در صورتی که به طور مطلوبی تنظیم شود، تنها بخشی از فرایند سازنده خط مشی مالی است و اهمیت آن در مورد استانداردهای مختلف تغییر پیدا می کند.^{۳۱}

۳۱- به مأخذ شماره ۱۰ مراجعه شود.



آگهی ثبت نام آموزش حسابداری و مدیریت مالی

● دوره جدید آموزش حسابداری و مدیریت مالی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران با همکاری انجمن حسابداران خبره ایران به شرح زیر برقرار می‌گردد:

حسابداری مالی (۱) حسابداری مالی (۲) حسابداری میانه (۱)
حسابداری میانه (۲) حسابداری صنعتی (۱) حسابداری صنعتی (۲) مدیریت
مالی برای مدیران غیرمالی - قانون جدید مالیاتهای مستقیم - حسابرسی
داخلی.

● مدت هر یک از دوره‌ها ۶۰ ساعت و شهریه هر درس ۴۰,۰۰۰ ریال می‌باشد.
● شرکت برای عموم آزاد است.

● علاقمندان می‌توانند جهت ثبت نام به اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران واقع در خیابان طالقانی شماره ۲۵۴ مراجعه نمایند و برای کسب اطلاع بیشتر از ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر با تلفن ۸۳۸۳۲۴ تماس حاصل نمایند.

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران